





## خطاب بکارهندان پریشانحال دولت

در این مرفع که مردم آزاد بخواهند و آزادی یافتن دو کرات آذربایجان از زیر نینجهمه قارستیم بنشانند. سکان از زیر نینجهمه قارستیم بنشانند و اعتماد پاشنام آن بدون اعتاً میگشند. پیشتر عقب تعالیم و اعلمان داشته باشند که حق از حق دفاع تسبید در زیره ظالمنین محظوظ میشود نه مظالمین بنا بر این جاداره که کلیه کارهندان آزاد بخواهند دست اتحاد بهم زده و بدون هوت فرمت ثابت نشانند که همه خواهان آزاد و دارای خون گرم آذربایجانی بدانست خود ملت غیور ش میسازند در آورده و سرتوش و اداره آنرا درآوردند و سرتوش و اداره آنرا بعنی اشخاص در نتیجه عدم اطلاع از تحولات روز گار تصور میگشند که شاید پاک حکومت قدری و زور گوئی در ایران این سرزین مقدس و میمین بر انتخارمان قبل ابقاء خواهد بود و در حال شک و استراب از این کار نگرانی هائی دارند و نمیتوانند در تعین خط مشی خود از روی اراده فکری میگشند ولی هیهات، آذربایجانی بنشست آن رسیده بخت، شاید بعضی ها از انتقام کلمه استبداد در کشور دموکراسی! ایراد و یاتجه میگشند اینت چوب این ایرادی تعجب احتمالی را خیلی ساده نمیگذرد میگشند آیدار کشوریکه ملت آن بر طبق قانون اساسی بیشتر از صد بار عاجزانه قاضای ایجازه تشکیل انجمن ایالتی و ولایتی نمایند و اولیاء امور کشور که جزو اجرای قانون اساسی و کشوری وظیفه دیگر ندارند در جواب درخواستهای مشروع ملت قانون و تاثر و توب بمنظور سرکوبی ملت نمایند که استبداد در کشور بدستور مزدوران میگشند بفرستند و ایجاد نمایند چه اسما مناسب قریب از قدر نمیتوان گذاشت باری از اینطلب خارج نشویم در اینجا روسخن پاکارهندان ستدیده است که پیر گونه ناملاعبات غیرقابل تحمل تحمل شده اراده آقا بر این علاقه میگرفت که افراد مخصوص و وطن پرست مملکت را شریک آمال پست و او کار دون خود نموده و با جلب نظر دست راست و دفع درستی دست چه مملکت را دچار بحران سیاسی و اقتصادی پنماید. اما لصمه دموکرات آذربایجان از اولین مراحل تشکیل در صدد اصلاح مملکت برآمده و برای از پاکه مذاکره در سیاست و تفاخر در راه استخلاص از این مذکور از جرم غیر قابل غمومی شمارد با اینکه به این یه و وقت نمیتوان سخت اغتراس کرد و از آنچه دیده ایم عبرت میگردند این مهدانیت ایکار که کار مدن از دلکه و مدارکه در اینجا روسخن دلاست زده گاه خود سهیم خواهند بود و انسی خواهند داشت اکنون که اکنه طبقات ستمکش وزیر دیده مال گیتی در راه تحصیل آبادی چنان پنک نهاده و با اراده خلیل نایدیری برای گرفتن حق پیش میروند دیگر نرس و احمد و رکود و سکوت جائز است و بالآخره عاهم ناچار باید تابع تحول زمان باشیم و از

## جاء الحق

### ذھق الباطل

از قرار موضع و طبق مندرجات جراید مرکز شهرستان آقای سید ضیاء بی هشتماهه برای نبوت رسانند در این انتقام کلمه استبداد در کشور دموکراسی! ایراد و یاتجه میگشند اینت چوب این ایرادی تعجب احتمالی را خیلی ساده نمیگذرد میگشند آیدار کشوریکه ملت آن بر طبق قانون اساسی بیشتر از صد بار عاجزانه قاضای ایجازه تشکیل انجمن ایالتی و ولایتی نمایند و اولیاء امور کشور که جزو اجرای قانون اساسی و کشوری وظیفه دیگر ندارند در جواب درخواستهای مشروع ملت قانون و تاثر و توب بمنظور سرکوبی ملت نمایند که استبداد در کشور بدستور مزدوران میگشند بفرستند و ایجاد نمایند چه اسما مناسب قریب از قدر نمیتوان گذاشت باری از اینطلب خارج نشویم در اینجا روسخن پاکارهندان ستدیده است که پیر گونه ناملاعبات غیرقابل تحمل تحمل شده اراده آقا بر این علاقه میگرفت که افراد مخصوص و وطن پرست مملکت را شریک آمال پست و او کار دون خود نموده و با جلب نظر دست راست و دفع درستی دست چه مملکت را دچار بحران سیاسی و اقتصادی پنماید. اما لصمه دموکرات آذربایجان از اولین مراحل تشکیل در صدد اصلاح مملکت برآمده و برای از پاکه مذاکره در سیاست و تفاخر در راه استخلاص از این مذکور از جرم غیر قابل غمومی شمارد با اینکه به این یه و وقت نمیتوان سخت اغتراس کرد و از آنچه دیده ایم عبرت میگردند این مهدانیت ایکار که کار مدن از دلکه و مدارکه در اینجا روسخن دلاست زده گاه خود سهیم خواهند بود و انسی خواهند داشت اکنون که اکنه طبقات ستمکش وزیر دیده مال گیتی در راه تحصیل آبادی چنان پنک نهاده و با اراده خلیل نایدیری برای گرفتن حق پیش میروند دیگر نرس و احمد و رکود و سکوت جائز است و بالآخره عاهم ناچار باید تابع تحول زمان باشیم و از

دیدی آن قیمه کل خرامان حافظ که از سر مجده های همین قضایا خالی بود

بالآخره کامه سیر مات لبرز شد و باره بگر مردم آذربایجان بر عليه چور و پیدادگری و هرای تحصیل آزادی و حاکیت و بطاطر احیای قانون اساسی و مشروطت لوانی قیام بر اهرافت اینک درست ناصر این قلمه از خالک گروهای دادپایان گیرای حلقه حقوق خود از تهدیات زاندام ماجه شدمانند مثل امواج دریا میخواهد. این ملت غیور ۲۵ سال تمام فجایع می خود و حسری را که مامورین می انصاف بدستور مرکزشنیان مرتبک میشوند هشامت می ظییری تحبیل کرد تا شاید بیورزمان کارهای اصلاح شود ولی حکومت تهران سکوت مردم را حمل بر منصب ویچارگی کرد و روز بروز بر صحیت و درندگی خود ازیود و مانند سک هار بخوردن خون ملت و محروم و اندامی حریصتر شد ناکار بجاگی رسید که طفل دو ساله دهانی در پهل مادرش بضرب سر نیزه کشته شد و جوانان بیکنده دسته دسته درز بیرون رضبات نازیانه های زاندارم جان سپردند بالآخره اوضاع فروزن وسطی بلکه مدحتراز آن در دهات آذربایجان طور کرد از جمله ای از زدن و داع کداشتن و ریش آتش درین دو شونجهار گمیز بردی.

آنی ایل دورت دیواری آر ایندا فایقی، احتیاج، غم، کدر نه اولدوغو خس اینده بون بوب بوی آتش اولدوغو مدرسه جانبینی ترک اینک شاگرد قلی ایجون نخدر آغیر و بسکلی ایدی. او، فریتالاردا کمیسی فایلارا نو خوب غرق اولموش قامدان کمی او زینی جانبین فریتالاریندا خس ایدیردی.

نه اینه چکنی او زی بله درک اینه یله بردی. او بر مدت دونوغ قالدی. دونون گوزلری سفلرین بنجر میز ملعدی. معلم نه ایه شاگرد لار سویله بردی اوون کوره لمیش بال قلی اینه درین دو شونجهار گمیز بردی.

لاینه چجه کلنین بینی دوپهولار ایه اوندا بویوز امبلر دو غور و ردو، او نه ایه قلی اینیش کمی سرعته اذدیلاماغا باشلادی. مدرسه قابو سینان چیقار کن بر آن دایاندی. حسره مدرسه بی بولاناراق، درندن کوکونو اونورمکه و داع ابدب مدرسه ای ترک ایندی.

ونی جات بولاناری دو غرو جارتنه آذدیلامبردی. سقیتلی دفعه ای ساعتی، ساعتار گونزی عومن ایدیردی. امید، جانین بانی کیچیدن اوبونلارندان ملت اولموش بر سرسی کمی هر گون سیح آجیلامیشان ایون چیشاراق، تبرزین اوزاق قطله لرینه بشاشن کارخانلاری بر-برنه وورور، اوزنه ایش تاباق ایجون بقفر جان فایلیک ایدیردبه موفق اولا یله بوب قارالنیق فو، وشناندا کور بشجان ایوه ڈایندردی. گوندن، گونه قلی اینه بون بین احتیاجن آمانیز فارا- قورخولاوی اونو کدرلندبره رمه، چیلیمار دو شونجه لرمه سوق ایدیردی.

او، اوزه اوزنه « بلکه من عاجز و با بازار ایزیام، نه ایجون باشندلاری جاندا یاشناماغی، ایش تابوب ساده کجیمه بی باربر، من ایه با جاره ایرام» دیدر دو شونه که بدلیسته دی، لاکین امید او زینی و امثالی احاطه ایدن منفور احتیاج فوراً لوشون، سایز- حاسیز کاهیز اسلاملاری سفنه، دله نجیلیکه، ایشزیلیکه، نولمه سوق اینمکین اساسی سلرنی درک ابدیب خاطرینه بله کنبره بردی.

حالبو کی یالنر بیزد ده گیل بوتون ایراندا اسلاملارین ایش تاباسی اوون دو شوندو کو قدر آسان رموضوده کیمی، ابرانی بوروین ایشزیلیکه، اقصادی بحران بوتون دعه بند کوندن، گونه شدنیزیردی.

امید ایش ایجون مراجعت ایندیکی هر کارخانه دا بوزرنه ایز- آیفیز سقبل اسلاملارین گوندره کارخانلار قارشونه بون بون کون ایش آختاره لارینی گوردو کجه عده بین باشنا گله یله جگکی هرمه بین فلا کمی حس ایدر و عده بندی

از جان اصل تمام جوانان عبور و آرا دیخواه آذربایجان که بسر نوشت خود علاوه مندی پاشند حاضرند اسنجه بردوش گرفه و برای مبارزه با هر فردی و آن به آن دارد پیشرفت میگشند و پس ایشی گفت که حق جایگزین زنده باد جوانان ما از احمدیان

## اعلان

بیانخیں گوئده هدای سینه بندی آذربایجان ۲۵ ایلیه ه حسر ابدیمکنی فلم و موشن افیا کیچیرین غله بازدای فلبی تماشا با قوی ولا قادر.

## آذربایجان

مجلس ملی اینه و کیل  
الانتخاب اولادلار  
هرند دن

۹۸۸۰ تعرفه و پریلمیش  
۱ آقای محمد حسین رهانی ۱۹۵۳ رای اینه  
۲ آقای جعفر کاووسی ۹۱۳۱  
۳ آقای سید رحیم ولایی ۹۰۰۵  
سلما دن

۱ آقای مکرم تراسی ۳۱۴۸ رای اینه  
۲ آقای احمد بیگداد آهنگردی ۱۳۱۲۷  
ازاب

۱۸۲۹ تعرفه و پریلمیش

۱ آقای عباس حمالی ۲۷ رای اینه  
تلکراف از سندوز  
مجلس ملی رونوشت کیمیه مرکزی  
رونوشت روزنامه آذربایجان پیر و  
شماره ۱۴ عملیات انتخابات سندوز  
روز یازده حائمه و شرده باحضور  
هیئت صندوق باز پس از تعطیق  
آراء با دفاتر از شهردار و دوست  
تعریف توزیع شده آقای نمی وزاجو  
با اکثریت شش هزار و پیصد و  
نموده رای به نایابی کی تبین و  
اعبار نامه اش از طرف انجمن صادر  
و اینم محل گردید.

رئیس انجمن تعارف حوزه فرعی  
انتخابات سندوز محمد مهدی سندوز  
از هیاته

آقای پیشووری ارزی آقای نادکان  
اویزی آقای پیر با اویزی آقای پنه  
اویزی آذربایجان و حاور تو  
روز نامه رئیسه سیرون آذربایجان  
مجلس ملی سینه طلم او نویا بانان  
آذربایجان ماقتنین سر برست لگنه  
انتخاب اولماکورا عدم دانی زاده  
لرین طرف دن تبریت عرض اندوب  
منصوده چند فوزی الله دن ایسترم  
آزادیلیق بولوندا شید اولان آقاملا  
چیانی اونی ابراهیم آزاد

پیش اینه کاشند که من شحتمانه هر  
رقة و ظاهره آقین را باطل ایع  
اعیحضرت همانوی و دولت خواه  
رایدید در حدود بکایت بعدار طهر  
مذاکرات نایابدگر هیئت ملی «نامه  
گون حکومت مرکزی بدون احتمیه  
بایان یافت.

## هذا کرات لعایندگان هیئت ملی آذربایجان با آقای بیان

بیهه از صفحه اول  
که مثلا قبلا بدایه از دواین موضوع  
دغای از حقوق خود قیام کرده و با  
مجلس ملی شنا تا چه حدود  
تشکیل مجلس ملی و حکومت ملی  
خواهد بود و دواین مجلس شورای  
ملی تا چه حدی در آذربایجان  
اجرا خواهد گشت، باین سوال  
اداره نماید.

آقای دولتشاهی شرحی درباره  
عاد دستگاه دولتی و لزوم قطعی  
نظر آقای بیان مینی بر اینکه انداد  
در جزئیات امر توافق نظر حاصل شود  
بعد در فستهای اساسی و نظر سا  
یندگان هیئت ملی که ایند اساس

در حواست های مأمورین  
دولت را کشتوول نماید، آقای  
پیشووری جواب دادند که بسیاری از  
مواد اصلی قانون اساسی در ۲۵ سال  
آخر تغییر یافته مثلا رضاشاه ماده  
گان حکومت مرکزی رای قبلا  
مربوط به سلطنت خواوده قیار را  
لعل و بجای آن سلطنت خود را  
جایگزین کرد یا بیوججه در صدد موافقت  
ملکه ایران پاید ایرانی الاصل باشد و  
بیان تیست باکه میخواهد با عدد و  
ویبد و سیاست اعمال همان اوضاع  
سابق دوره افلاط مشروطه و قیام  
خیابانی رایش بیاوردو برای این  
مال شده و چیزی از آن نماید است  
ان منظورین فرست میکاردد، اما  
در مقابل این گونه امکار صریحا جواب  
داده شد که ایند امداد دیگر استیهات  
گذشته نکار خواهد شد و ملت آذربایجان  
با یهان تسمیهات کیگر راعدمی خواهد  
کرد اگر مرکزی که موافق بیست بفرماید  
وبارور و اسلحه مردم را بکشد و  
به آرزوی خود برسد،

نمایندگان مرکزی ملکه مجلسی  
خواهد شد که بتواند کارهای دولت را در  
ایلات کشتوول نماید ولی مجلس مؤ  
سیان آذربایجان چنین صلاح دید  
که تشکیلات انجمن ایلانی را قادری  
توسعه داده و به آن سورت یک مجلسی  
علی داخلی را بدهد که جلوی تجاوزات  
حکومت مرکزی را بگیرد و  
احبایات محلی را کویی تضییبات محلی  
رفع نماید آقای بیان اطهار داشتند  
که می خواهید مختا ریت شما در چه  
حدود باشد، آقای پیش وزیر جور  
تغیری بدھیم و از صلاحیت ماحصل  
است مایه پیش شده باید مختار است  
ملی خود را تحقیق نمایم،

ولی نمایندگان مرکزی دواین  
اطهار علاقه نسبت به کنگره ماویت  
بعدرخواستهای اساسی ملت آذربایجان  
حاضر بودند که از نظریه خود دست  
بکشند باین جهت می خواهیم فرستاد و  
در این باره صورت گرفت و بعد از  
آنکه احسان شد ایجاد توافق بطر  
کار مشکل و بسیار دوری است، آقای

نمایندگان مرکزی فوی نیتوانند  
باشد که بتواند کارهای دولت را در  
ایلات کشتوول نماید ولی مجلس مؤ  
سیان آذربایجان چنین صلاح دید  
که تشكیلات انجمن ایلانی را قادری  
توسعه داده و به آن سورت یک مجلسی  
کشتوول و سایر معلوم الحال روزنامه هر  
چیزی جاست تهمت اتفاق دان،

بانان شاهله بور احمد اقدان چکینه بر  
لر، حتی قمده انتشار تایان «استوار»  
روز نامه بدهد از ایلامی اینه اینه  
و ماقدان اوتی ملکه بیانه هر  
و ماقدان اوتی ملکه بیانه هر  
هره میز، با مان دیدگدن میله  
خدوداران اینه، آذربایجان آزادی  
یعنی نهضتیز مرعده مزدور خان

اوغلولاری اینه اینه اینه اینه  
دندان صمیعیته طرداران ایدیرلر  
اطلاعات، نیمسایا، سدای ایران  
کشتوول و سایر معلوم الحال روزنامه هر  
چیزی جاست تهمت اتفاق دان،

بانان شاهله بور احمد اقدان چکینه بر  
لر، حتی قمده انتشار تایان «استوار»  
روز نامه بدهد از ایلامی اینه اینه  
اوغلولاری اینه اینه اینه اینه  
شلیوب اووه نسبت بیوک حرمت  
بسایور لرم دور، مزور، ایکی اویلی  
روز نامه اینه بزم طبیعی و قانونی  
فیمیری اووز گه لیسه گیدریوب، هر

جنور تهمت جکینه بورلر،  
اویزی بیهی بعترف کوسترب هم  
عنصر لر من جکنیسی آنندان خشن  
عضوی، یعنی هر بیر تراکی،  
بنگی پله کش آزان زانداره لر من  
امریله وار بوخندان سقط اوغان عنصر  
لر پایمال اولمش خدو فلری، دع ری  
تار ماقدان اویزی قیام اینه اینه  
خالقین غصب دریاسی مقابله

هیچ بر قدرت استفانت کوسترب  
پیغمبه جکدر، بونلار دیز کیمی  
داله بیلار باخره کوچت خرد، تعلیم  
چیلاردا بودنیزین اجر بینه موله هر  
اویوب اور نادان گدده حکمکار ایهان  
ونهضمه مخالف اولادلار هرنه دیر

لر دیسان، بیز ایه عملا اولازا  
جواب ورم جکنیز ایه ایه ایه ایه  
بین ایچون غلبه ده غریله در  
نوروز

## حق بیز یمه در

مرحوم شیخ محمد خیابانین  
فیامی کیمی آذربایجانین بیو گوکنی  
ملنین سوزینه و نفاطالارینه دفت  
انک لارمده! دار

۶ داریا روزنامه سی اه  
آذربایجانی خان و آذربایجان  
دان از نمرن تمرصن دورو ویان آذربایجان  
یجتیلاری وطن خانی مجتبیه خوش  
آذلندروب ایله حیال ایدیرلر که بو  
تهمت لر لر بین دن اویز دیکناتوریق  
دستگاهن فوروب خلقین ناموس و  
حیثیتی نزادان ال آنایه ایله!

شیخ قیام ایدمن زماندا تهران  
مزدور روزنامه لری اونی وطن خان  
لشوار، ول کن، تجزیه جی، آذلا  
ندور و باز ماصعنی فوروماقدان اوتری  
آذربایجانین ان بو کنک سیماسی  
اولان خیابانین آدینی اجلاف، اشوار  
سیراسندا اید ایدیر دیلر، لکن بو  
گون دونکی وطن خانی شیخ محمد

خیابانی تهران روزنامه جبلین  
نظریه ایله ایله ایله ایله ایله ایله  
کیمی تظاهر ایدیب حتی دکتر هلق  
ده اوشن آدینی ایرانی و سیمی بار لاما  
تند احتراملا اید ایدیرلر،

آذربایجان دمو کرات فرقه سی  
میدانه چیدیدن سورا نارمع تکرار  
اولور تهران آذربایجانیلار من رشید  
اوغلولاری اینه اینه اینه اینه  
دندان احتراملا اید ایدیر دیدن  
دینی آزادیلیق تاریخنده بو لشوار و  
مجهول الهو هنخصرن آدینی بوبوک  
حرمتله قید ایده جکدر تهران آزادی  
خواه روزنامه لری آذربایجانیلار من  
بو مقدس قیامی حسن استبله فار  
شلیوب اووه نسبت بیوک حرمت  
بسایور لرم دور، مزور، ایکی اویلی  
روز نامه اینه بزم طبیعی و قانونی  
فیمیری اووز گه لیسه گیدریوب، هر

جنور تهمت جکینه بورلر،  
اویزی بیهی بعترف کوسترب هم  
عنصر لر من جکنیسی آنندان خشن  
عضوی، یعنی هر بیر تراکی،  
بنگی پله کش آزان زانداره لر من  
امریله وار بوخندان سقط اوغان عنصر  
لر پایمال اولمش خدو فلری، دع ری  
تار ماقدان اویزی قیام اینه اینه  
خالقین غصب دریاسی مقابله

هیچ بر قدرت استفانت کوسترب  
پیغمبه جکدر، بونلار دیز کیمی  
داله بیلار باخره کوچت خرد، تعلیم  
چیلاردا بودنیزین اجر بینه موله هر  
اویوب اور نادان گدده حکمکار ایهان  
ونهضمه مخالف اولادلار هرنه دیر

لر دیسان، بیز ایه عملا اولازا  
جواب ورم جکنیز ایه ایه ایه  
بین ایچون غلبه ده غریله در  
نوروز

## اعلان

بنون فرقه غضولیه خبر ویریلیر کی نظم امنامه نین  
۲ نجی هاده سینن ب بندینه گوره هر کس اوچ هفت خوزه  
حلمه سینده عذر سیز غیبت ایدرسه بلاشرد فرقه دن خارج  
او او ناجاق هر کس نوز خوشه سینه اشترانک اینه لیدر،  
شهر کمبه سینن تشکیلات شعبه سی